

گزارش تپش از قتل جنگلبانان توسط غارتگران منابع طبیعی

محافظان بی ادعای جنگل

جنگلبانان، پدر طبیعت هستند. پدر درختان، گیاهان و هر چیزی که بشود نام منابع طبیعی روی آن گذاشت. مردان جنگل خوب می دانند طبیعت زیبا و دوست داشتنی که همیشه با آدم ها مهربان است، دشمنان قسم خورده ای به نام قاچاقچیان چوب و زمین دارد که هر زمان اراده کنند به جانش می افتند، می نرند و نابود می کنند. می دانند هر لحظه ممکن است با آنها روبه رو شوند و با سنگدلی کشته شوند اما چنان عشقی به طبیعت دارند که اگر لازم باشد نه فقط از مال شان که از جان شان هم مایه می گذارند. بارها فیلم های آنان در حالی که با قاچاقچیان چوب درگیر شده اند در فضای مجازی پخش شده و در این میان برخی از جنگلبانان جان شان را از دست داده اند.

لیلا حسین زاده
تپش

سوزه هفته

تپش

۶ | ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم
چهارشنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۲ | شماره ۱۰۴۳

در تازه ترین حوادث مربوط به مرگ جنگلبانان، یک جنگلبان ۳۸ ساله به نام حسن کابوسی که از نیروهای یگان حفاظت منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان کردکوی استان گلستان بود در اثر شلیک گلوله در منطقه درازنو کشته شد. با انتشار خبر کشته شدن این جنگلبان، انگار داغ دل بسیاری از ساکنان شمال کشور و جنگلبانان تازه شد و خیلی ها این سؤال را پرسیدند که چرا به امنیت جنگلبانان توجهی نمی شود. دو روز بعد از این ماجرای تراژیک، پلیس دو مظنون را دستگیر کرد اما یکی از مظنونان به تناقض گویی افتاد و در اعترافات خود به پلیس مدعی شد با جنگلبان کشته شده آشنا بوده و روز حادثه، گلوله به صورت سهوی از اسلحه او شلیک و باعث مرگ جنگلبان شده است.

رمضان کابوسی، پدر این جنگلبان هم در گفت و گو با رسانه ها گفته بود من قاتل را از قدیم می شناختم و با هم به جنگل می رفتیم. متهم و پسر از دوستان قدیمی یکدیگر بودند و همیشه با هم برای گشت زنی به جنگل می رفتند. روز جمعه با هم به گشت زنی رفته بودند که ظاهراً گلوله اشتباهی از اسلحه او شلیک شده و به پسر خورده بود.

او در ادامه صحبت هایش این را هم اضافه کرده بود که این دو نفر هیچ مشکلی با هم نداشتند و عمدی در کار نبود.

اما سرهنگ مجید ذکریایی فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی مازندران روایت دیگری از جان باختن کابوسی دارد: «حضور این جنگلبان در منطقه جنگلی «بازیار خیل» خارج از مأموریت کاری بود و هیچ ارتباطی با صیانت از منابع طبیعی و جنگل نداشته است. علت قتل این نگهبان منابع طبیعی توسط نیروی انتظامی در دست بررسی است و به زودی اطلاع رسانی می شود.»

قتل یکی از خوشنام ترین و شجاع ترین جنگلبانان ایران

قبل از کابوسی، جنگلبانان دیگری هم در مسیر حفظ و حراست از منابع طبیعی از جان خود گذشته اند. ناصر پیروی یکی از همین جنگلبانان است که هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ به دست قاچاقچیان چوب و زمین خواران کشته شد. او علاوه بر جنگلبان بودن، رئیس اداره منابع طبیعی ماسال هم بود. پیروی چنان جدیتی در کارش داشت که پس از قتلش، به او لقب «شهید مبارزه با مفساد اقتصادی» دادند. از پیروی به عنوان یکی از خوشنام ترین و شجاع ترین جنگلبانان ایران هم نام برده می شود که حاضر نبود هیچ امتیازی به قاچاقچیان چوب و رانت خواران بدهد.

به گفته یکی از متهمان این جنایت در آن سال ها، پیروی مرد سرسختی بود و نسبت به جنگل حساسیت خاصی داشت: «من و همدستانم بر سر مالکیت بخشی از جنگل با جنگلبانی کشمکش داشتیم و پیروی مقابل ما ایستاده و حاضر به عقب نشینی نبود، برای همین تصمیم گرفتیم او را از سر راه مان برداریم. طبق نقشه، چهار نفر از همدستانم در جاده رشت - ماسال لباس نظامی پوشیده و یک پست ایست بازرسی قلابی راه انداختند. وقتی پیروی می خواست از خانه اش به جنگلبانی برود، همدستانم او را متوقف کردند. پیروی فکر می کرد پلیس هستند و برای همین با آنها همکاری کرد اما همدستانم او را به زور سوار خودرو کردند و به کلبه ای در جنگل های ضیابر صومعه سرا بردند. آنجا پیروی را کتک زدیم و پس از بی حال شدنش، سرش را با تیغ موکت بری از تن جدا کردیم. بعد برای این که جسدش توسط پلیس پیدا نشود، همان جا رهایش کردیم.»

برخلاف پیش بینی های جنایتکاران، دو روز بعد

جسد پیروی پیدا شد و با همکاری پلیس آگاهی تهران و رشت، شش متهم این جنایت شناسایی و دستگیر شدند. دادگاه، متهم ردیف اول و دوم را به اتهام قتل پیروی به اعدام و به اتهام شرکت در آدم ربایی به پنج سال حبس محکوم کرد. سه متهم بعدی هم به اتهام آدم ربایی به ۱۵ سال حبس محکوم و در نهایت متهم ردیف ششم به دلیل نبود ادله کافی، تبرئه شد. قاتلان آذر همان سال در رشت اعدام شدند.

خردادماه سال ۱۳۹۵ هم جنگلبان فضل... علی پور ۴۳ ساله و اهل روستای آهودشت چمستان از شهرستان های استان مازندران در اثر شلیک گلوله کشته شد. ماجرا از این قرار بود

که روز حادثه، دو نپسان که بار چوب داشتند، در حال خروج از جنگل بودند که علی پور و همکارانش، راه خروج قاچاقچیان چوب را بستند. قاچاقچی ها که از برخورد جنگلبانان به شدت عصبانی شده بودند، با اسلحه شکاری و گلوله چهارپاره به شکل مستقیم به طرف نیروهای منابع طبیعی شلیک کردند که در این درگیری علی پور کشته شد و فرمانده یگان منابع طبیعی شهرستان نور و یک جنگلبان دیگر زخمی و به بیمارستان منتقل شدند. پاسگاه انتظامی چمستان نور به محض اطلاع از این جنایت وارد عمل شد و تعدادی از قاچاقچیان را دستگیر کرد.

نه امنیت داریم و نه تجهیزات دفاعی

فلاح، یکی از نیروهای حفاظتی منابع طبیعی شهرستان کردکوی در مورد امنیت جنگلبانان به تپش می گوید: «به نظر من، مظلوم ترین قشر، جنگلبانان و محیط بانان هستند. تنها سلاحی که ما داریم، فقط همین یک تیر است، اما حق نداریم از آن برای دفاع از خودمان استفاده کنیم و فقط یک جور عصای دست است. قاچاقچیان هم این موضوع را می دانند و برای همین با خیال راحت و آشکارا به جنگل می آیند، به ما فحاشی می کنند، هر کاری دل شان بخواهد انجام می دهند و هیچ کس هم نیست از ما دفاع کند. نه گاز اشک آور داریم، نه شوکر و نه هیچ تجهیزات دیگر. من دو نفر را در همین منطقه خودمان سراغ دارم که پایپ شیشه بغل دست شان است، اسلحه شکاری روی دوش شان و با اره دستی درختان را قطع می کنند. ما زن و بچه و زندگی داریم. به طور مستقل نمی توانیم وارد عمل شده و با این افراد درگیر شویم و برای خودمان دشمن تراشی کنیم. نیروهای امنیتی و انتظامی در این زمینه باید به ما کمک کنند.» او در حالی که در مراسم خاکسپاری همکارش حسن کابوسی حضور دارد، ادامه می دهد: «تمام رؤسای ما از این مشکلات خبر دارند اما نمی دانم چرا هیچ اقدامی انجام نمی شود. شرایط به گونه ای است که انتقام منابع طبیعی را به حال خود رها کرده اند. تنها ارگانی که پایین ترین حقوق و مزایا و امنیت را دارد، ما هستیم. اگر آتش سوزی رخ دهد، کل جنگلبانان باید به منطقه بروند. من با ۱۲ سال سابقه کار، شب و روز کار می کنم اما کل دریافتی ام هشت میلیون تومان است. نه شب کاری، نه تعطیل کاری نه جمعه کاری، هیچ مزایایی به ما تعلق نمی گیرد. نه امنیت داریم و نه هیچ تجهیزاتی در اختیار ما قرار می گیرد. با این شرایط مشخص است که قاچاقچیان به راحتی در منابع طبیعی جولان می دهند و جان جنگلبانان را می گیرند.»

